

شمایل‌ها و تشبیه به خدا: تفسیری عرفانی از شعائر در کلیسای ارتدوکس^۱

لیلا هوشنگی^۲

استادیار دانشگاه الزهرا (س ع)، گروه ادیان و عرفان تطبیقی، تهران، ایران.

ریحانه غلامیان^۳

کارشناسی ارشد ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

چکیده

از آنجا که شعائر و مناسک دینی نخستین امری است که ناظر بیرونی با آن در تماس قرار می‌گیرد، پژوهشگران مطالعات دینی آن را به منزله مهم‌ترین تجلی دین بررسی می‌کنند. در مسیحیت نیز شعائر و به طور خاص عشای ربانی و تعمیم، جایگاه ویژه‌ای را داراست. در الاهیات ارتدوکس با تفکیک عناصر و مولفه‌های «کلامی» از عناصر «غیر کلامی» شعائر، بر اهمیت شمایل‌ها نیز تأکید خاصی می‌شود. هم‌چنین شمایل‌ها به منزله مجلایی برای خداگونگی و تشبیه به خدا، بخشی انفکاک‌ناپذیر از الاهیات و شعائر کلیسای ارتدوکس به شمار می‌آیند. در این مقاله کوشش شده تا تفسیر کلیسای ارتدوکس از شمایل‌ها و کارکرد آنها در مقام نمادهایی با محتوای معنوی بررسی و تبیین شود. هدف اصلی از اجرای شعائر در این کلیسا، تشبیه به خدا و مسیح، و نیل به خداگونگی است. این آموزه در مقام اصل بنیادین الاهیات و عرفان کلیسای ارتدوکس شرقی و وجه افتراق آنها به معنای رسیدن به اتحاد الهی و دریافت موهبت شباهت الهی است.

کلید واژه‌ها

کلیسای ارتدوکس، شمایل‌ها، شعائر مسیحی، عشای ربانی، تشبیه به خدا.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): Lhosh@alzahra.ac.ir

۳. پست الکترونیک: adyan.reyhaneh@gmail.com

مقدمه

در زندگی دینی مسیحیان ارتدوکس و به ویژه در شعائر و مناسک آنها شمایل‌ها نقشی بنیادین دارند. در فضاهای شهری، کتابفروشی‌ها و مکان‌های دیگر می‌توان مجموعه‌ای از شمایل‌ها را مشاهده کرد. در خانه‌ها و دیگر محل‌های مسکونی نیز مسیحیان ارتدوکس شمایل‌های مقدس را در گوشه‌ای به نام کنج زیبا قرار می‌دهند. اینان جایگاهی خاص در گوشه اتاق را به شمایل عیسی مسیح، مریم مقدس و قدیسان اختصاص می‌دهند. مهم‌تر از همه، در فضای کلیسای ارتدوکس بیش از هر چیز پرده شمایل^۱ که در فاصله میان شرکت‌کنندگان در آئین و محراب قرار گرفته است و در بخش‌هایی از آئین عشاء ربانی بسته می‌شود، توجه بازدیدکنندگان را به خود جلب می‌کند.^۲ بنابراین، نقش و حضور پر رنگ شمایل‌ها در مراسم نیایش و آیین‌های کلیسایی و به ویژه مراسم عشاء ربانی انکارناپذیر است.^۳

ویژگی‌های نمادین آیین‌های کلیسایی یادآوری از تقدیس زندگی انسان است که از طریق مشارکت و هم‌دلی در کلیسا و حضور در مراسم مناجات و دعا محقق می‌شود و فرد به واسطه لطف و موهبت الهی تحولی معنوی می‌یابد و تقدیس می‌شود.

۱. جایگاه شعائر در کلیسای ارتدوکس

در الاهیات ارتدوکس، اعمال و شعائر دینی، به ویژه مراسم عشاء ربانی و غسل تعمید به منزله دو رکن اساسی در شعائر مسیحی، تفسیری ویژه یافته است. مسیحیان ارتدوکس بر این باورند که انسان می‌تواند از طریق حضور و مشارکت در کلیسا و به ویژه در مراسم عشاء ربانی آمرزیده شود. بنابر اعتقاد ایشان، حضور در مراسم عشاء ربانی، گام مهمی در تشبیه به خدا است. آنان برخلاف مسیحیان کاتولیک و کالونیست‌ها، مفهوم گناه ازلی را

1. ikonostasis

2. Mcfarland, I., *The Cambridge Dictionary of Christian Theology*, Cambridge, Cambridge University Press, 2011, p.232.

3. Prokurat, M., *Historical Dictionary of the Orthodox Church*, USA, Scarecrow Press, 1996, p.163.

چنان که آگوستین مطرح می‌کند، نمی‌پذیرند و بر این باورند که این عقیده به دور از عقل و اندیشه سلیم به نظر می‌آید.^۱

تفسیر کلیسای ارتدوکس از مراسم عشای ربّانی با تفسیر کلیسای کاتولیک بسیار متفاوت است. در آیین عشای ربّانی کلیسای کاتولیک رم، نان و شراب که به واسطه قدیسان و کشیشان تقدیس و متبرک می‌شود، در مقام بدن و خون واقعی مسیح در نظر گرفته می‌شود. با این استحاله (تبدیل جسمی به جسم دیگر)، عناصری هم‌چون نان و شراب ماهیت واقعی خود را از دست می‌دهند، زیرا این عناصر با توجه به الهیات کاتولیک، به معنای واقعی کلمه به عنصر دیگری تبدیل می‌شوند. برخلاف این، در کلیسای ارتدوکس شرق هیچ تصور و پنداشتی از مفهوم «استحاله و تبدل جوهری»^۲ وجود ندارد. بنا بر اعتقاد مسیحیان ارتدوکس، عناصری همچون نان و شراب، ماهیت خود را حفظ می‌کنند و متحمل هیچ تغییر و دگرگونی قابل توجهی نمی‌شوند و تنها نمادها و نشانه‌های تقدیس شده‌ای از درد و رنج مسیح‌اند.^۳

در باور دینی مسیحیان ارتدوکس، در گرمای داشت عشای ربّانی، جماعت زمینی با هم ملاقات می‌کنند و با جماعت آسمانی غذا می‌خورند و آسمان به سوی زمین می‌آید. شمایل‌ها نیز در این مراسم نزول خدا، فرشتگان و قدیسان را به سوی زمین نشان می‌دهند.^۴ این مراسم، دارای نام‌های مختلفی است که برخی از آنها عبارتند از: شام خداوند (اول قرنیتیان ۱۱:۲۰)، شکستن نان (اعمال ۲:۴۲)، شراکت (اول قرنیتیان ۱۰:۱۶)، مجلس سپاسگزاری (یهودا ۱۲) و شام مقدس. این مجلس یادگار مسیح است (اول قرنیتیان ۱۱:۲۴).^۵ عشای ربّانی نشانه عهد جدید، و پیاله نشان‌دهنده خونی است که برای شروع عهد جدید توسط مسیح ریخته شد (لوقا ۲۲:۲۰ و اول قرنیتیان ۱۱:۲۵). عشای ربّانی اعلام مرگ مسیح (اول قرنیتیان ۱:۲۶) و پیش‌گویی رجعت او است. این آیین هم به گذشته (مرگ مسیح)، و هم به

1. Edioce, R.A., "Orthodoxy", *Encyclopedia of Religious Rites, Rituals and Festivals*, F. Salamone(ed.), New York, Routledge, 2004, p.305.

2. transubstantiation

3. Edioce, R.A., pp.304-305.

۴. ویور، مری جو، *درآمدی بر مسیحیت*، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ش، صص ۱۴۲-۱۴۳.

5. Prokurat, M., p.164.

آینده و رجعت مسیح اشاره دارد، زیرا تا زمان رجعت مسیح اجرا خواهد شد (اول قرنیتان ۱۱:۲۶). در شام آخر، عیسی به شاگردان خویش فرمود: «شما را می‌گویم که از این پس دیگر از این میوهٔ انگور نخواهم نوشید تا روزی که آن را تازه، با شما در ملکوت پدر خویش بنوشیم» (متی ۲۶:۲۹). این آیین مشارکت با مسیح و خاصان او است، یعنی زمانی خاص و خصوصی که نجات یافتگان برای مشارکت به دور مسیح جمع می‌شوند و مسیح مهماندار نامرئی این سفره است.

از منظر مسیحیت ارتدوکس، عشای ربانی تنها «یکی از اسرار هفتگانه» نیست، بلکه یکی از مسائل اساسی ایمان و شعائر عبادی مسیحیت است. مسیحیان هنگامی که در این مراسم شرکت می‌کنند، باور دارند که مسیح با جسم خود نزد آنان حاضر می‌شود. هم‌چنین ایشان باور دارند که همان‌طور که عهد خدا با قوم یهود توسط خون قربانی‌ها بر کوه سینا استوار گردید، به همان ترتیب عهد جدید نیز میان خدا و بشریت به وسیلهٔ خون عیسی مسیح محکم و استوار شد.

اگر چه مراسم عشای ربانی در بیشتر متون مربوط به قدیسان و آباء کلیسا، خود به عنوان یک نماد و مظهر شمایل آسمانی و زمینی توصیف شده است، با این همه نمادها و شمایل‌های مقدس نیز خود در اجرای این مراسم مقدس نقش و سهم به‌سزایی دارند.^۱ در این مراسم، مقدس‌ترین زمان، لحظهٔ اوج رسیدن به عنصر قدسی، یعنی دقایقی است که پردهٔ شمایل بسته می‌شود و کشیش و شماسان در پشت پرده منتظر حلول روح القدس می‌مانند. سکوت در این هنگام واجب است و هر فرد می‌کوشد تا این لحظات را از دست ندهد.^۲

افزون بر مراسم عشای ربانی، غسل تعمید نیز در شعائر مسیحی بسیار با اهمیت است. غسل تعمید نوعی آیین تشریف است که جنبهٔ نمادین آن با دیگر مراسم عبادی تکمیل می‌شود و تکرار عمل آیینی مسیح است که در آغاز توسط او انجام شده است. فرد مسیحی

1. Prokurat, M., p.164.

۲. عسکری خانقاه، اصغر و سجادپور، فرزانه، «نگرش قدسی، اندیشهٔ قدسی»، پژوهش فرهنگی، ۱۳۸۳ ش، سال ۸، شمارهٔ ۹، ص ۱۱۲.

با غسل تعمید آن چیزی می‌شود که پیش از این نبوده است و این به معنای مردن و زاده شدن در حیاتی جدید است.^۱

جایگاه قدیسان در مقام برپاکنندگان اصلی شعائر کلیسایی نیز در خور تأمل است، چندان‌که هر کلیسایی در جهان ارتدوکس معمولاً به یک قدیس اختصاص دارد و اغلب آثار مربوط به ایشان مقدس تصور شده و در قسمتی از محراب کلیسا نگهداری می‌شود. البته برخی کلیساها نیز به نام عیسی مسیح، تثلیث مسیحی و نیز مریم مقدس نام‌گذاری شده‌اند. در کلیساهای مخصوص به قدیسان، معمولاً اولین تصویری که مسیحیان در ورود به فضای کلیسا با آن مواجه می‌شوند، شمایل آن قدیس است.

الاهی‌دانان ارتدوکس در بیان مقام قدیسان اظهار می‌دارند که خداوند فیض و موهبت خود را از طریق واسطه‌هایی همچون مسیح و نیز قدیسان و فرشتگان به جهان هستی و عالمیان افاضه می‌کند. بنابراین، قدیسان به عنوان واسطه‌های فیض مورد تقدیس و تکریم قرار می‌گیرند. تقدیس ایشان باوری جدای از پرستش و ستایش خداوند نیست^۲ و آنان به عنوان واسطه‌های فیض در حیات کلیسا به خدمت می‌پردازند.^۳ بنابر اعتقاد یوحنا دمشقی، از آنجا که دوران زندگی قدیسان آکنده از موهبت و فیض روح القدس بوده است، آنان پس از مرگ نیز به واسطه افاضات و الطاف روح القدس، در حالی که بدن‌های ایشان در زیر خاک مدفون است، به حیات معنوی خود در قالب شمایل‌ها ادامه می‌دهند.^۴

به این ترتیب، تأکید بر تأثیرگذاری آیین‌ها و شعائر مسیحی و ویژگی‌های اعجاز برانگیز آن با نقش قدیسان کلیسایی پیوند خورده است.^۵ مسیحیان ارتدوکس حتی هنگام غسل تعمید نیز نام یکی از قدیسان را دریافت می‌دارند. آنها شمایل این قدیس حامی را در اتاقی نگاه می‌دارند و روزانه برایش دعا و نیایش به جا می‌آورند. کلیساهای ارتدوکس نیز

۱. عسکری خانقاه، اصغر و سجادپور، فرزانه، ص ۱۱۵.

۲. برخلاف جهان پروتستان که سرسپردگی و ارادت به مسیح را با تجربه ایمان به قدیسان مغایر می‌داند و مدت‌های مدیدی است که تقدیس قدیسان را کنار گذاشته است.

3. McGuckin, J. A., *The Orthodox Church, USA*, Blackwell, 2008, pp. 363- 364.

4. Idem, *The Encyclopedia of Eastern Orthodox Christianity, USA*, Blackwell, 2011, vol.1, p.335.

5. Rouwhorst, G., "Word and Image in Christian Rituals", *Iconoclasm and Iconoclasm: Struggle for Religious Identity*, W. J. Van Asselt et al.(eds), Leiden, Brill, 2007, vol.14, p.90.

آکنده از شمایل‌های مقدس و بویژه شمایل قدیسان است و این کمک می‌کند که به جای آن که ایشان صرفاً نامی در کتاب‌های تاریخی باقی بمانند، حضوری آشنا و صمیمی داشته باشند.^۱ شمایل قدیسان در کلیسا، اغلب در حالی که لباس مخصوص مناجات و نیایش الهی را بر تن، و کتاب مقدس را در دست چپ دارند و دست راست را به جهت طلب رحمت و مغفرت به سمت آسمان بالا برده‌اند، ترسیم شده است. قدیسان زاهد نیز به طور معمول با قامتی بلند تصویر می‌شوند تا بازنمای جایگاه ایشان در نزد پروردگار (و یا مسیح)، و شکوه و جلال ایشان در برابر چشمان بیننده باشد.^۲

در طول تاریخ شمایل‌نگاری مسیحی، این خادمان کلیسا همواره با الگو گرفتن از تاریخ انبیاء - به ویژه انبیای عهد عتیق هم‌چون یونس و الیاس نبی - زندگی و سرگذشت ایشان را تبدیل به شمایل‌ها و تصاویری نمادین ساخته و در تلاش بوده‌اند تا این تصاویر به عنوان واسطه فیض الهی، با خواسته‌ها و مطالبات زمانه‌شان سازگاری داشته باشد.^۳

۲. شمایل‌ها، اهمیت‌الاهیاتی و کارکرد آنها

در تاریخ گسترده مسیحی، ترسیم تصاویری با سبک‌های مختلف و متعلق به زمان‌ها و مکان‌های متفاوت و مبتنی بر کتاب مقدس و مناجاتنامه‌ها، در جهت آموزش نوایمانان و جلسات موعظه عالمان و آباء کلیسا نقش چشم‌گیری داشته است.^۴ با این همه، واکنش کلیساهای مختلف نسبت به شمایل‌های مقدس متفاوت بود، چنان‌که شمایل‌ها در کلیسای کاتولیک از زمان پاپ گریگوری اول (۵۹۰ - ۶۰۴م) صرفاً جنبه آموزشی یافت. در دوره‌ای که توده مردم بی‌سواد بودند، آموزش دینی تنها به صورت شفاهی یا بصری ممکن بود. از این رو، شمایل‌های موجود در کلیساها در واقع «کتاب مقدس فقرا» خوانده شد. گریگوری کتاب مقدس را برای آموزش تحصیل‌کردگان و باسوادان، و «شمایل‌های مقدس» را برای

۱. پت فیشر، ماری، دائرةالمعارف ادیان زنده جهان، ترجمه مرضیه سلیمانی، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹ش، ص ۵۲۱.

2. McGuckin, J. A., *The Orthodox*. . . , p.364.

3. Vos, Nieke, "The Saint as Icon: Transformation of Biblical Imagery in Early Medieval Hagiography", *Iconoclasm and Iconoclasm: Struggle for Religious Identity*, W.J. Asselt et al.(eds), Leiden, Brill, 2007, pp.215-216.

4. Mcfarland, I., p.233.

آموزش بی‌سوادان و عوام مردم مفید دانست.^۱ او اعلام کرد که این تصاویر نه به جهت پرستش، بلکه باید صرفاً برای آموزش اذهان ناآشنا با مضامین کتاب مقدس به کار گرفته شود.^۲

در این میان، کلیسای پروتستان حضور شمایل‌ها را در عبادات جمعی و نیز نیایش‌های خصوصی پذیرفت و با تزئین و آراستن کلیسا با این تصاویر مقدس مخالفت کرد.^۳ این مخالفت که در سال ۱۵۲۰ میلادی در بسیاری از نقاط اروپا آغاز گردید، منجر به اصلاح فرهنگ آیینی شد و با ورود به کلیساها و پاکسازی این اماکن از تصاویر و سایر اشیاء و اثاثیه مقدس وابسته به مراسم آیینی، سیاست‌های شمایل‌شکنانه خود را پیش برد.^۴ برخی محققان بر این باورند که اصلاحات دینی پروتستانی به بسیاری از نمادها، آیین‌ها، مناسک و تشریفات کلیسایی آسیب‌های جدی وارد کرد که ملموس‌ترین آن، تخریب اشیاء متبرک برجای مانده از نسل‌های گذشته بود.^۵

در مقابل، مراسم عبادی مسیحیان ارتدوکس بر «عناصر کلامی» و «عناصر غیر کلامی» مبتنی است و این عناصر به موازات یکدیگر سهم به‌سزایی در آئین عبادی دارند. عناصر کلامی همچون قرائت کتاب مقدس، نماز، نیایش و موعظه، کاربرد صداهای آهنگین و سرایش سرودهای دینی، و عناصر غیر کلامی همچون لباس‌های ویژه برگزاری آیین‌ها، اعمال عبادی و به ویژه شمایل‌ها، در برانگیختن معانی روحانی در مومنان مسیحی و همراهی و همخوانی ایشان با آیین‌ها و مناسک بسیار مؤثر است. به اعتقاد بسیاری از الهی‌دانان ارتدوکس برای برپایی شعائر مسیحی در کلیسا و رسیدن به درک درستی از آیین‌های نیایشی، عناصر کلامی^۶ و بویژه عناصر غیر کلامی^۱ در این امر دخیل‌اند.^۲

۱. از گذشته تا به امروز، برخی با استناد به این سخن گریگوری که شمایل‌ها اغلب برای عوام مردم و کسانی که تحصیلات سطح پایین‌تری دارند و نیز کودکان مفید و مناسب است، به انتقاد از این تصاویر پرداخته‌اند، در حالی که بنا بر الاهیات ارتدوکس، شمایل‌ها و کتاب مقدس از احترام برابری برخوردارند.

2. Cook, J. W. "Iconography: Christian Iconography", *Encyclopedia of Religion*, L. Jones(ed.), New York, Thomson Gale, 2005, vol.7, p.4385.

3. Mcfarland, I., p.233.

4. Cook, J. W., vol.7, p.4386.

5. Van Asselt, W., "The Prohibition of Images and Protestant Identity", *Iconoclasm and Iconoclasm: Struggle for Religious Identity*, W.J. Van Asselt et al.(eds), Leiden, Brill, 2007, p. 299.

6. word

بر این اساس، شمایل‌ها بخشی جدانشدنی از الاهیات و شعائر مسیحیت ارتدوکس شناخته می‌شود. این تصاویر مقدس صرفاً اشیایی مادی از چوب و سنگ و یا رنگ بشمار نمی‌آیند، بلکه بنابر اعتقاد مسیحیان ارتدوکس، آنها واسطه‌های یگانه قدرت معنوی‌اند. ایشان بر این باورند که الوهیت به یک تصویر و یا یک مکان محدود نمی‌شود، بلکه همه جا حاضر است. با این همه، اغلب برای این تصاویر محل‌های ویژه‌ای در ساختار مکان‌های مقدس در نظر گرفته می‌شود و به عنوان بخش جدایی ناپذیر ابعاد آیینی و زیبایی شناختی عبادات دینی شمرده می‌شوند،^۳ تا جایی که بنابر دیدگاه مورخان مدرن، ارزش هنری شمایل‌ها را نمی‌توان از ارزش دینی آنها تفکیک کرد.^۴

بنا بر اعتقاد مسیحیان ارتدوکس، تقدیس شمایل‌ها صرفاً بیانگر آیینی تشریفاتی و عاری از محتوا نیست، بلکه بیانگر مفهومی اساسی در مسیحیت است که در کلیسای شرق با شدت و حدت بسیار حفظ شده و موجبات ارتباط مستقیم و صمیمانه انسان با خداوند را فراهم می‌سازد و آن آموزه تجسد است که به وضوح در آیین نیایشی کلیسا هویدا است.^۵ شمایل‌ها بیانگر «تصاویری آیینی» اند. همچنین روایتی از رویدادهای تاریخ قدسی به شمار می‌آیند، چنان که زندگی قدیسان و شهدا به واسطه آنها جانی دوباره می‌گیرد و به سبب همین مضامین، احساس عشق و شفقت را در ناظرانشان برمی‌انگیزد. حتی هنگامی که مقصود از شمایل‌ها تزئین کلیساها باشد - که مسیحیت شرقی چنین امری را نمی‌پذیرد و کاربرد تزئینی تصاویر و تمثال‌های مذهبی را به مسیحیت غربی منتسب می‌سازد- باز هم غایت شمایل‌ها برانگیختن سرور و بهجت معنوی است.^۶

بنابر الاهیات ارتدوکس، به واسطه شمایل‌نگاری مسیحی آموزه‌های خداشناسی و خدااباوری و شعائر دینی به بینندگان منتقل می‌شود.^۷ بر این اساس، شمایل را می‌توان به

1. eimag

2. Asselt, Willem Van, 2007, p.75.

۳. کاپادونا، آپوستولوس، «هنر دینی، دین و هنر»، ترجمه فرهاد ساسانی، بی‌ناب، ۱۳۸۳ش، شماره ۷، ص ۱۰۶.

4. Parry, K., *The Blackwell Companion to Eastern Christianity*, USA, Blackwell, 2007, p.89.

5. Giakalis, Ambrosios, *Images of the Divine: the Theology of Icons at the Seventh Ecumenical Council*, Leiden, Brill, 2005, pp.120-121.

۶. نصری، امیر، حکمت شمایل‌های مسیحی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۷ش، ص ۴۲.

7. Prokurat, M., p.165.

عنوان ابزاری بصری در جهت ژرفاندیشی، تفکر و تعمق در آنچه که خادمان کلیسا به مومنان آموزش می‌دهند، دانست. این تصاویر چه به صورت دو بعدی و چه سه بعدی، ابزاری برای نمایش و بازنمایی مفصل و مشروح آن چیزی است که در تعلیمات شفاهی آمده است.^۱ در این رابطه، پرده شمایل چشمگیرترین نقطه کلیسا است. واژه «شمایلگاه» و یا «پرده شمایل» را می‌توان در هر موضع دیگری به کار برد، ولی پرده شمایل عموماً به کلیساهای شرقی اختصاص دارد.^۲ پرده شمایل فضایی است که جایگاه مخصوص کشیش در صدر کلیسا را از محل اجتماع حاضران به واسطه یک ردیف نرده که گاهی از جنس سنگ مرمر است، جدا می‌سازد.^۳ در واقع نقشه کلیساهای بیزانسی با تقسیم فضای کلیسا به دو بخش جایگاه همسرایان، که در آنجا تنها کشیشان، همراه با ملازمان و شماسان حضور دارند، و شبستان که محل حضور باقی جماعت مؤمنان است، از سایر کلیساها متمایز می‌شود.^۴ مرز میان محراب (به مثابه آسمان) و شبستان (به مثابه زمین) با درب سلطنتی و یا شاهانه مشخص می‌شود^۵ که از طریق آن کشیشان و روحانیان کلیسا وارد فضای مقدس می‌شوند و با خواندن مناجات‌نامه‌ها و نیز قسمت‌هایی از اناجیل، به برپایی و نظارت بر آیین‌ها و مناسک کلیسایی می‌پردازند.^۶ به تعبیر برخی الاهی دانان ارتدوکس، پرده شمایل صرفاً به عنوان مانع و حائلی میان فضای سمبولیک و نمادین شبستان (زمین) و محراب (آسمان) تفسیر نمی‌شود، بلکه هم‌چون روزنه‌ای (پنجره‌ای) است که به حاضران شهودی از

1. Cart, J.E., "Images: Images, Icons and Idols", *Encyclopedia of Religion*, L. Jones(ed.), USA, Thomson/ Gale, 2005, vol.7, p.4389.

2. Mcfarland, I., p.232.

3. Cort, J.E., vol.7, p.4352.

۴. بورک‌هات، تیتوس، مبانی هنر مسیحی، ترجمه امیر نصری، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۹۰ش، صص ۸۷-

۸۹-

۵. برخی منتقدان بر این باورند که جدایی رسمی محراب از شبستان به طور موثری حضور عامه مردم در مراسم عشا ربانی و بزرگداشت این آیین را کاهش می‌دهد. در مقابل، مدافعان پرده شمایل معتقدند که پرده شمایل راهی است که در آن، آسمان (محراب) با زمین (شبستان) از طریق حضور مسیح و قدیسان، و شفاعت ایشان متحد و یگانه می‌شوند و برآنند که حجاب و ابهامی (بعد ماورایی و رمزی) که در پرده شمایل حکم‌فرما است، بر تفاوت هستی‌شناسانه آسمان و زمین تأکید دارد.

6. Fortountto M. & Cunnincham M.B., "Theology of the Icon", *The Cambridge Companion to Orthodox Christian Theology*, Cambridge, Cambridge University Press, 2009, pp.143-144.

حضور الهی می‌بخشد، روزنه‌ای در میان آسمان و زمین که مومنان مسیحی آیین عشا‌ی ربانی را به واسطه این درهای شاهانه درک می‌کنند.

پرده شمایل در کلیساهای کوچک و بزرگ در خدمت آیین‌های عبادی، و روشنگر داستان نجات و رستگاری بنا بر کتاب مقدس است.^۱ برای ترتیب قرارگیری هر یک از شمایل‌ها در پرده شمایل، و نیز ورود حاضران از درهای کلیسایی دستورالعمل‌هایی وجود دارد. شمایلگاه سه در دارد. عوام مردم تنها می‌توانند از درهای شمالی و جنوبی رفت و آمد کنند و در اصلی (شاهانه) تنها برای رفت و آمد کشیشان و اسقفان است.^۲ بنابراین، تنها کشیش در اوقات خاص، همچون وقتی که حامل عناصر تقدیس شده نان و شراب یا اناجیل است، می‌تواند از در شاهانه بگذرد و به جهت همین تقدس، این در دروازه خورشید یا باب الهی دانسته می‌شود.^۳

ماهیت جسمانی شمایل‌های مقدس در کلیسا، آنها را با بسیاری از اشیاء دیگر در فرهنگ اشیاء مادی ادیان، و اثاثیه و آثار مربوط به نیایش همچون لباس‌ها، میز مقدس، کتاب مقدس و مناجات‌نامه‌ها و سایر عناصر مادی در فضای عبادی کلیسا مرتبط می‌سازد. تنها برخی از این اشیاء مانند تصاویر، آثار، کتاب‌ها و در برخی موارد لباس‌ها، تفاوت‌ها و اختلافات اعتقادی دیرینه‌ای با هم دارند.^۴ بنابراین، بسیاری از اثاثیه موجود در کلیسا صرفاً شمایل نیستند، بلکه آثاری همچون استخوان و یا اشیاء وابسته به قدیسان، و نیز نمادها و نشانه‌هایی را در برمی‌گیرد که به عنوان امری مقدس در سنت پویای کلیسا نگهداری می‌شوند. ممکن است که در کتاب مقدس به این اشیاء و آثار به آنها اشاره نشده باشد و یا در اسناد و مدارک مربوط به عبادات نامی از آنها برده نشده باشد، اما آنها در خاطر کلیسا زنده، پویا و مورد تصدیق و تأییداند.^۵

1. Hughes, L., "Art and Liturgy in Russia: Rublev and His Success", *The Cambridge History of Christianity, Eastern Christianity*, M. Angold(ed.), Cambridge, Cambridge University Press, 2006, vol.5, p.285.

2. Mcfarland, I., p.232.

۳. بورک‌هات، تیتوس، صص ۸۷-۸۹.

4. Cort, J.E., vol.7, p.4389.

5. Fortountto M., & Cunnincham, M.B., p.140.

حضور پر رنگ شمالی‌های مقدس نه تنها در کلیسا و پرده شمالی نقش آفرینی می‌کند، بلکه حتی در منازل مسیحیان ارتدوکس نیز جایگاه خاص خود را دارد. در حقیقت در میان مؤمنان و معتقدان ارتدوکس هیچ خانه‌ای ساخته و برپا نمی‌شود، مگر اینکه جایگاه خاص شمالی‌ها در ساختمان مشخص شود. معمولاً در گوشه شرقی ساختمان (اگر موقعیت جغرافیایی ساختمان اجازه دهد) طاقچه‌ای ساخته می‌شود که «کنج یا گوشه زیبا» نام دارد و در آنجا اغلب در کنار این شمالی‌های مقدس، کتاب مقدس، مناجات‌نامه‌ها، شمع‌های روشن و بخورهایی برای عطرآگین کردن فضا قرار داده می‌شود. مسیحیان ارتدوکس در هنگام عبادات شخصی خود، اغلب در منازل خویش، زغال روشن می‌کنند و در برابر شمالی‌ها بخور می‌سوزانند و بر این اعتقادند که این بوی خوش تا پیشگاه باری تعالی صعود خواهد کرد. در کلیسا نیز کشیش و شماس و همین‌طور عوام مردم در پیشگاه خداوند برای شمالی‌ها بخور می‌سوزانند تا رحمت و برکت بر آنها عرضه شود.^۱

در این باره توماس آکویناس^۲ نیز با بوناوتوره^۳ هم عقیده بود و اعلام داشت که به سه دلیل شمالی‌ها را به کلیساها آوردند. نخست برای تعلیم عوام بی‌سواد، از آن رو که این شمالی‌ها همان می‌کنند که کتاب مقدس می‌کند؛ دوم، برای آنکه سر تجسد خداوند در کالبد مسیح و اسوه‌های قدیسان هر روز در برابر دیدگان نمایان، و در حافظه‌ها حاضر باشد؛ سوم آنکه شمالی‌ها برای برانگیختن «شور مذهبی» از طریق دیده‌ها تأثیرگذارترند تا شنیده‌ها.^۴

شمالی‌ها گویای داستان‌های بسیاری از معجزات عیسی مسیح و به ویژه پیرامون پیدایش اولیه شمالی‌ها خود مسیح است که به عنوان «صورت حقیقی یا صورت اولیه» شناخته

1. McGuckin, J. A., *The Orthodox*. . . , p.357.

۲. قدیس توماس آکویناس (Thomas Aquinas)، معروف به حکیم آسمانی، فیلسوف و متأله مسیحی بود. او اعتقادات مسیحی را با فلسفه ارسطو تلفیق کرد و فلسفه او از ۱۸۷۹ تا اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی فلسفه رسمی کلیسای کاتولیک به شمار می‌آمد.

۳. بوناوتوره فیلسوف ایتالیایی قرون وسطی است. وی در سال ۱۲۱۷م در ایتالیا به دنیا آمد. وجه تسمیه بوناوتوره از دو واژه «بونا» و «اونتوره» گرفته شده و معنای آن «حادثه خوب» است.

۴. ورنن، هایدن ماینر، *تاریخ هنر، سیری در تاریخ تکوین نظریه هنر*، ترجمه مسعود قاسمیان، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷ش، ص ۱۰۶.

می‌شود. بسیاری از داستان‌های مربوط به معجزات، دربارهٔ نجات خود تصاویر مقدس از تخریب شمایل‌شکنان و ترسیم امدادهای الهی است^۱ که بر باور و ایمان مسیحیان ارتدوکس بسیار تأثیرگذار بوده و هست. تا به امروز هم به این شمایل‌های مقدس معجزات بسیاری نسبت داده می‌شود و به همین سبب، از جایگاه والایی برخورداراند و به عنوان اثاثیهٔ انجام مراسم مذهبی، در خانهٔ مسیحیان ارتدوکس (در کنج یا گوشهٔ زیبا) و به‌ویژه در کلیسا (پردهٔ شمایل) و نیز در اجتماع و در میان عموم مردم در مناسبت‌های رسمی مورد نیایش قرار می‌گیرند.^۲

مطالعه‌ای موردی از نقش معجزه‌آسای شمایل‌ها، دربارهٔ شمایل مریم عذرا در شهر ولادیمیر و تأثیرات آن بر زندگی شهری و هنرمندان معاصر در طول دوران زندگی ایشان است.^۳ مردمان شهر ولادیمیر معتقد بودند که به سبب وجود شمایل مریم عذرا، این شهر در طول تاریخ از هرگونه آسیب و گزند مصون مانده است.^۴ در دوران‌های بعد نیز در مذمت تخریب شمایل‌ها داستان‌هایی مطرح شد که با جریان شمایل‌شکنی چندان بی‌ارتباط نبود، مثلاً تئوفانس^۵ روایت می‌کند که مریم عذرا فردی را دید که مشغول تخریب شمایل وی بود. مریم برای وی عذابی را پیش‌بینی کرد و فردای آن روز آن فرد به شکل فجیعی درگذشت. افزون بر این موارد، مضامین شمایل‌ها علاوه بر فرهنگ مذهبی به فرهنگ عامه نیز راه یافت و هم بر آن تأثیر نهاد و هم تأثیر پذیرفت.^۶ مورخ آلمانی آرنولد آنگینت^۷ با اشاره به نفوذ و اثربخشی مراسم نیایش بر حاضران و شرکت‌کنندگان در مراسم می‌نویسد: «قدرت معنوی به واسطهٔ حضوری روحانی منتقل می‌شود. جشن‌ها و مراسم عبادی مسیحی بر حاضران در کلیسا نه تنها اثرات معنوی، بلکه تأثیرات فیزیکی و مادی نیز بر جای

1. Jungmann, J.A. & Stasiak, K., "Baptism, Sacrament of", *New Catholic Encyclopedia*, USA, Thomson, 2003, vol.2, p.64.

2. Hussey, J.M., *The Orthodox Church in The Byzantine Empire*, (Oxford History of the Christian Church Series), New York, Oxford University Press, 1986, p.31.

3. Hughes, L., p.286.

۴. نصری، امیر، صص ۳۹-۴۳.

۵. تاریخ‌نگار، راهب و قدیس مسیحی بیزانسی است. تئوفانس هم‌چنین عضو انجمن آریستوکرات بیزانس هم بود و لقب اقرارآورنده داشت.

۶. نصری، امیر، صص ۳۹-۴۳.

7. Arnold Angenendt

می‌گذارد، تأییراتی هم‌چون محافظت در برابر بیماری‌ها، به‌ویژه بیماری‌های واگیردار، قحطی، خشکسالی، جنگ و بسیاری بلایای طبیعی و ناگهانی دیگر»^۱.

به پشتوانهٔ این نظام اعتقادی، شمایل‌نگاری همگام با ایمان ارتدوکس در سراسر کشورهای بالکان و روسیه انتشار یافت و در آن نواحی بود که حتی پس از انقراض امپراطوری بیزانس، به رشد و تحول خود ادامه داد. ظهور هنرمندی برجسته هم‌چون «آندری روبلف» که به حق بزرگ‌ترین شمایل‌نگار روسیه خوانده شده است، خود نشاندهندهٔ این واقعیت است که انگیزه‌های آفرینندگی در سنت شمایل‌نگاری بیزانسی از زادگاه اصلی آن به مرزهای شمالی دنیای ارتدوکس نیز راه یافته است.^۲

حتی امروزه، در دنیای مدرن نیز گرایش به هنر و معماری دینی و به ویژه شمایل‌ها، هم در محیط‌های آکادمیک و هم در میان عموم مردم در حال گسترش است. بنابراین، سده‌های نوزدهم و بیستم شاهد تجدید علاقه نسبت به شمایل‌های مقدس بود که در ارتباط با احیای گرایش‌ها و تمایلات نسبت به شمایل‌های مقدس در قرون وسطا بوده است.^۳ این گرایش تا آنجاست که در قرن بیستم میلادی، شمایل‌نگاری مسیحی در رسانه‌های جدید و بویژه در وسایل ارتباطی الکترونیک و فیلم‌ها نیز ظهور یافته است. برخی بر این باورند که ارائهٔ فیلم‌هایی از داستان‌های کتاب مقدس با عناوینی همچون «کتاب مقدس»، «ده فرمان»، «پادشاه پادشاهان» و «انجیل با نظر به انجیل متی» بازنمایی روشنی از سنت شمایل‌نگاری است و نمی‌توان آن را واقعیتی ساکن در سنت مسیحی به شمار آورد. آنان با این استدلال بر این باورند که شمایل‌نگاری مسیحی خود را با هر عصر و زمانی منطبق می‌سازد تا به انسان در نیل به مقصود اصلی خود، یعنی تشبیه به خدا یاری رساند.^۴

1. Rouwhorst, G., p.90.

۲. نوروزی طلب، علیرضا، «بنیان‌هایی برای شناخت و تفسیر هنر بیزانس (اصول و مبانی)»، باغ نظر، ۱۳۸۴ش، شماره ۴، ص ۷۶.

3. Cook, J.W., vol.7, p.4344.

4. Lindberg, C., *A Brief History of Christianity*, USA, Blackwell, 2006, p.154.

۳. تشبیه به خدا، غایت شعائر ارتدوکس

در عهد جدید و در تفکر پولسی موضوع تشبیه به خدا^۱ با سه معنا به تصویر کشیده شده است. سومین معنای این تصویر، تحول مومنان و شبیه شدن آنان به مسیح است، چنانکه پولس در نامه به رومیان می‌نویسد: «از آنجایی که او عالم به غیب است، همچنین مقدر کرده است که (مومنان) شبیه تصویر پسرش گردند». (رومیان ۸: ۲۹) آیات فراوانی در اناجیل و رسالات وجود دارد که آباء کلیسا از آنها به عنوان آموزه تشبیه به خدا یاد کرده‌اند؛ از جمله به نقل از مزامیر (۲: ۸۲) عیسی بیان می‌دارد که: «من گفتم شما خدایید و جمیع شما فرزندان اعلی»، و به این ترتیب، از مردانی با عنوان خدایان یاد می‌کند. در جایی دیگر آمده است: «آیا در تورات شما نوشته نشده است که من گفتم شما خدایان هستید». (یوحنا، ۱۰: ۳۴) در انجیل یوحنا مفهوم «فرزندان خدا» (۱۲: ۱) و در رساله یوحنا مفهوم «شبهات به خدا» (اول یوحنا، ۲: ۳) دیده می‌شود.

رساله دوم پطرس (۴: ۱) از انسان‌هایی با عنوان «مشارکان در طبیعت الاهی» سخن میان می‌آورد. در رسالات پولس نیز بسط مفهوم کتاب مقدسی صورت و شباهت الاهی در انسان (رومیان، ۸: ۲۹؛ اول قرنتیان، ۱۵: ۴۹؛ دوم قرنتیان، ۳: ۱۸؛ کولسیان، ۳: ۱۰)، مفهوم مشارکت و جاودانگی خدا (اول قرنتیان، ۱۵: ۵۳)، آموزه فرزند خواندگی خدا (غلاطیان، ۴: ۵، ۳: ۲۶) و تصویر انسان به عنوان هیکل خدا (اول قرنتیان، ۳: ۱۶) دیده می‌شود.

در رساله به کولسیان به تجدید دانش اشاره شده است که ظاهراً دلالت بر این دارد که انسان باید تشبیه به خدا را به واسطه عقل جستجو کند، اما در باب پانزدهم رساله دوم به قرنتیان، پولس آشکارا جاودانگی انسان را مطرح می‌کند، آنجا که می‌گوید مسیحیان پس از رستاخیزشان از مردگان صورت مسیح را با خود خواهند داشت (دوم قرنتیان، ۴۹: ۱۵). در رساله یعقوب نیز به این امر اشاره شده است که آدمیان به صورت خدا سرشته شده‌اند (۹: ۳). این عبارت تأیید عملی اندیشه خداگونگی آفرینش انسان است که در عهد قدیم آمده است.^۲

1. imitation of God

۲. شاکر، محمد کاظم و موسوی حرمی، فاطمه سادات، «خداگونه بودن انسان، روایتی اسرائیلی یا آموزه‌ای مشترک»، حدیث پژوهی، ۱۳۹۰ش، سال ۳، شماره ۶، صص ۱۶۳-۱۶۴.

تشبیه به خدا معادل مفهوم «نجات به واسطه فیض» در کلیسای لاتینی رم است. اگرچه آموزه خداگونگی و تشبیه به خداوند با ایرنائوس شروع شد که از سیر تکامل انسان و بازگشتش به وضعیت نخستین با مشارکت در مسیح سخن می‌گفت، اما کلمنت اسکندرانی بود که اصطلاح تشبیه به خدا را به شکل کامل مطرح کرد. او نخستین شخصی بود که اصطلاح «تشبیه به خدا» را در مفهوم کمال اخلاقی به کار برد.

با نظر به برخی آیات کتاب مقدس، چنین به نظر می‌رسد که آدم، کامل و در صورت الاهی خلق شد، اما این بدان معنا نبود که وی از لحظه خلقتش با خدا اتحاد داشت، بلکه او باید این شباهت الاهی را کسب می‌کرد که پیروی از شیطان و انجام گناه نخستین این امر را دشوار نمود. اما گناه نخستین طرح خداگونگی را از میان نبرد، زیرا هیچ گناهی بر عشق خدا بر بشریت چیرگی ندارد. پس به‌رغم گناه بشر، عشق خداوند بر انسان‌ها کاملاً پابرجا باقی ماند. طبیعت بشر نیز کاملاً زایل نشد، بلکه تنها ضعیف و تاریک گردید، زیرا صورت خدا در انسان خراب ناشدنی است. این آدم بود که وظیفه خود را در رسیدن به خداگونگی انجام نداد. از این رو، از هبوط تا عید پنجاهه خداگونه شدن ناممکن شد و انسان از اجرای آن عاجز ماند، تا اینکه مسیح وظیفه آدم را بر دوش کشید.^۱

در کتاب مقدس آمده است: «انسان را مطابق با تصویر و شبیه خود خلق کنیم».^۲ بر اساس این طرح، انسان تنها تصویر خدا نیست، بلکه می‌بایست به او شباهت داشته باشد. این شباهت جستن وظیفه انسان است تا با فیض روح القدس و مشارکت داوطلبانه خود فرد تکمیل شود.^۳ مسیحیان ارتدوکس معتقدند که انسان می‌تواند از طریق مشارکت، همدلی و حضور در کلیسا، به‌ویژه در مراسم عشای ربانی آمرزیده شود و این‌گونه انسان به واسطه لطف و موهبت خداوند به فطرت خداجوی خود متوجه می‌شود. این تشبیه به خدا و

۱. محمد زاده، سید نادر، «شهود و خداگونگی در عرفان مسیحیت شرقی»، پژوهشنامه ادیان، ۱۳۸۸ش، سال ۳، شماره ۱۵، صص ۷۹-۸۰.
۲. پیدایش ۱: ۲۶.
۳. اوسپنسکی، لئونید و لوسکی، ولادیمیر، معنای شمایل‌ها، ترجمه مجید داودی، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸ش، ص ۴۶.

خداگونگی وعده نهایی رستگاری مسیح است، زیرا بنا بر اعتقاد ارتدوکس‌ها، مردم با خداگونگی همانند و شبیه خدا خواهند شد.^۱

یکی از سخنان آتاناسیوس یونانی این است که: «عیسی مسیح به این خاطر به آنچه ما هستیم تبدیل شد که ما بتوانیم به آنچه او هست تبدیل شویم». بنابراین، راه رسیدن به خداوند یا خدایی شدن از مجرای کلیسا و از طریق آئین‌ها و مناسک دینی آن، بویژه غسل تعمید و عشا‌ی ربانی، و نیز از طریق دعا و نیایش و مطالعه کتاب مقدس، و سرانجام در پیروی از دستورات مسیح است. در پایان کار، بشر به سوی خداوند جذب نمی‌شود، بلکه با استقرار خداوند در وجود او، تغییر صورت می‌دهد. این تغییر صورت دادن (منور شدن به نور الهی)، توجه به آثار به جا مانده از قدیسان را توجیه می‌کند.^۲

ماکسیموس معترف بیان می‌کند که کل انسان باید خدا شود و انسان در سرشت خود، همه روح و جسم به فیض خدا، خدای گونه می‌گردد. یونانیان این تشبّه به خدا را نوعی روشن شدگی طبیعی برای بشر می‌دانستند. آنان از چهره دگرگون کردن مسیح در کوه الهام می‌گرفتند، درست همان گونه که بوداییان از تصویر بودا که به کامل‌ترین تحقق بشری دست یافته بود، الهام می‌گرفتند. بنابه باور مسیحیان، عید نورافشانی مسیح در کلیساهای ارتدوکس شرقی اهمیت بسیار دارد و خدانمود^۳ نامیده می‌شود.^۴

اگرچه هر فرد مومن مسیحی روح القدس و اتحاد با مسیح را در تعمید و عشا‌ی ربّانی درمی‌یابد، اما این امر به این معنا نیست که اتحاد کامل را دریافت کرده است، بلکه کمال تشبّه به خداوند امری تدریجی است که فرد باید در طی زندگی روحانی و با آیین و اعمال نیک و به مدد فیض بخشی روح القدس آن را تحقق بخشد. در غیر این صورت، روح القدس در فرد غیر فعال باقی می‌ماند. برخی متألهان مسیحی هم‌چون قدیس سیمون^۵

1. Edioce, R.A., p.305.

۲. هینلز، جان. آر، راهنمای ادیان زنده، ترجمه عبد الرحیم گواهی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش، جلد ۱، ص ۲۸۰.

3. epiphany

۴. آرمسترانگ، کرن، خدانشناسی از ابراهیم تاکنون، دین یهود، مسیحیت و اسلام، ترجمه محسن سپهر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۵۶.

5. Saint Simeon

در این باره چنین بیان کرده‌اند که در تعمید گناهان ما بخشیده می‌شود و با نزول روح القدس به اشراق می‌رسیم، اما این بدان معنا نیست که فیض کامل را دریافت می‌کنیم. چنانکه مسیح می‌فرماید: «در ایشان ساکن خواهم بود و در ایشان راه خواهم رفت و خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود» (دوم قرن‌تین، ۱۶:۶)، زیرا کسانی کامل‌اند که ایمانشان را با اعمال خود بهبود می‌بخشند. اما اگر پس از تعمید به سمت گمراهی برویم و مرتکب اعمال بد و گناه‌آلود شویم، این تقدس را به طور کامل از دست خواهیم داد و تنها پس از توبه، اعتراف و مویه است که دوباره آن را به دست خواهیم آورد. از سوی دیگر، از آنجا که ذات الاهی و تجلیاتش نامتناهی است، تشبیه به خداوند و خداگونگی نیز هرگز ایستا و متناهی نیست و هر انسانی متناسب با میزان پاکی‌اش به گونه‌ای متفاوت از موهبت روح القدس بهره‌مند می‌شود. خداگونگی آغاز دارد، ولی پایان ندارد، زیرا کمال نامتناهی است و این کمال روحانی حتی در حیات بعدی نیز ادامه دارد.^۱

رساله دوم به قرن‌تین نیز به فرآیند تدریجی تشبیه به خدا اشاره دارد: «اما همه ما - که با چهره‌ای عاری از نقاب، همچون آینه در خود جلال خدا را مشاهده می‌کنیم - حتی با کاری که پروردگار یعنی روح القدس در ما انجام می‌دهد، دائماً از مرتبه‌ای از جلال به مرتبه‌ای دیگر می‌رویم و به تدریج شبیه او می‌شویم» (۱۸:۳). مشابه این سخن در رساله کولسیان نیز آمده است: «شما اکنون لباس جدیدی از انسانیت پوشیده‌اید که شبیه خداست و خدا آن را آفریده است و این صورت جدید با بصیرت و دانش، تجدید حیات یافته است» (کولسیان، ۱۰:۳). بنابراین، انسان می‌تواند با تمسک به آیین‌های عبادی در کلیسا، و به واسطه حضور شمایل‌ها به منزله وسائط فیض، به تشبیه خداوند نائل شود.

۴. تفسیری عرفانی از عناصر غیر کلامی

بنابر الاهیات ارتدوکس، شمایل‌ها به منزله عناصر غیر کلامی جزئی جدانشدنی از الاهیات، و بازنمایی روشن و صریح از عبارات، داستان‌ها و روایت‌های کتاب مقدس اند. از نقطه نظر کلیسای کاتولیک نیز این تصاویر مقدس صرفاً وسیله‌ای در جهت آموزش دینی و یا امری اختیاری و صرفاً تزئینی در ساخت و گسترش کلیسای ارتدوکس نیستند، بلکه بنابر

۱. محمد زاده، سید نادر، ص ۸۴.

اعتقاد مسیحیان ارتدوکس شمایل‌های مقدس، فضایی ملکوتی و آسمانی به وجود می‌آورند که تداعی کننده حضور حاضران در بهشت است.^۱ شمایل‌نگاری کلیسای ارتدوکس صرفاً در صدد بازنمایی ظاهر محسوس نیست، بلکه به امور نامحسوس یا محتوای معنوی آنچه مورد بازنمایی قرار می‌گیرد نیز توجه دارد، تا آنجا که ایشان از تصاویر منقوش در کلیسای کاتولیک با عنوان «تمثال»^۲ یاد می‌کنند و آن آثار را شایسته عنوان «شمایل» نمی‌دانند و برآند که اگرچه تمثال نیز همچون شمایل به مشخصه‌های ثابت صورت می‌پردازد، اما به معانی فراتر از حیات مادی و زمینی اشاره‌ای ندارد و هدف آن صرفاً حفظ شباهت است.^۳ به باور آنها، تمثال‌ها از بازنمایی معانی روحانی و تعالی بخشیدن به این علائم و نمادها عاجزند. بنابراین، کلیسای ارتدوکس ارزش طبیعت‌گرایانه و تصاویر سه بعدی‌ای را که کلیساهای کاتولیک رم با آن آراسته شده است، انکار و طرد می‌کند.^۴

به اعتقاد مسیحیان ارتدوکس، شمایل‌ها و به ویژه شمایل مسیح، قادرند که پلی از جهان مادی به ملکوت بسازند و به همین سبب، در خدمت کلیسا و مومنان مسیحی‌اند و می‌توانند مومنان را از جسم به روح و از ماده به معنویت رهنمون سازند و پیوندی میان ملکوت الهی و حیات مادی ایجاد کنند.^۵ آیین عبادی مسیحیان ارتدوکس آکنده از راز و رمزها و نمادپردازی است. در بسیاری از موارد، شمایل‌های مقدس در قالب نمادها و سمبل‌هایی بازنمایی شده‌اند و این ویژگی به لحاظ ظاهری کاملاً در کلیسا مشهود است. برای نمونه، در مراسم مذهبی کلیسا عبارات منتخبی که از کتاب مقدس و مناجات‌نامه‌ها با طنین صدایی رسا و آوازگونه خوانده می‌شود، لباس‌های ویژه مراسم نیایش که کشیشان بر تن دارند، و مهم‌تر از همه، شمایل‌نگاری که خود نوعی طریقه معنوی در کلیسا است، گویای جنبه‌ای عرفانی و رمزآمیز در فضای کلیسا می‌باشد.^۶ در حقیقت، به دلیل اکراه و

1. Prokurat, M., p.165.

2. portrait

۳. نصری، امیر، ص ۳۷.

4. Edioce, R.A., p.305.

5. Court, J.E., vol.1 p.4346.

۶. نمونه‌های متعددی از این گونه تمثیل‌ها و نمادپردازی‌ها همچون شبان نیکو، گوسفند گمشده، تاک، بره خدا در کتاب مقدس مشهود است.

7. Edioce, R.A., p.304.

انزجار مسیحیان ارتدوکس از عقل‌گرایی و نیز طبیعت‌گرایی، خودآگاهی ارتدوکسی در موضوعات عرفانی و ماوراطبیعی به نمایش درآمده است، تا آنجا که ارتدوکس‌های یونانی در آیین عبادی خود از هرگونه برداشت عقلانی از خداوند می‌پرهیزند. چنانکه گریگوری نیسایی در تفسیر غزل‌ها گفته است: «هر مفهومی که عقل بیابد، سدی بر سر راه جویندگان می‌شود».^۱

مسیحیان نیز خود بر این امر اقرار دارند که با نگرستن بر شمالی‌ها، اغلب اوقات مصائب و سختی‌های حضرت عیسی در آخرین روزهای عمرش برای ایشان تداعی می‌شود و با عبادت و خضوع در برابر این شمالی‌های مقدس، موجب آمرزیدگی و نجات ایشان می‌گردد.^۲ برای نمونه، موزائیک کاری‌های کلیسای سانتاماریا ماژوره، شرح رستگاری روح را به وصف در می‌آورد. حقیقتی که در این نقوش مصور می‌گردد «کلام زنده کتاب مقدس» است.^۳ ایشان اظهار می‌دارند که زمانی که در مقابل شمالی‌ها ایستاده و به آنها خیره می‌شوند، این عمل نه از سر کنجکاوی آنها، بلکه از این رو است که از قدیسان و صاحبان شمالی‌های مقدس خواستار طلب حضور در مجلس و موهبت‌بخشی هستند. مؤمنان به کلیسای ارتدوکس برآنند که حتی نور (هاله مقدس)^۴ برخاسته از شمالی‌ها امری مربوط به عصر و زمان حاضر نیست و به واسطه عوامل خارجی و از بیرون بر آنها وارد نشده است، بلکه این نوری ابدی و ازلی است که از شمالی‌ها و چهره‌های قدیسان ساطع می‌شود.^۵

۱. آرمسترانگ، کرن، ص ۲۵۴.

2. Mc Guckin, J.A., *The Orthodox*. . . , p.359.

۳. اسکندری، ایرج، «بررسی و تحلیل نقاشی دیواری از ما قبل تاریخ تا عصر حاضر»، هنرهای تجسمی، ۱۳۷۸ش، شماره ۵، ص ۲۰۳.

۴. رایج‌ترین نماد مربوط به دوران بیزانس، کشیدن هاله گرد سر قدیسان است. برای اشخاصی چون مریم مقدس و نیز قدیسان هاله‌ای دایره‌وار ترسیم می‌کردند و اگر آن شخص تصویر شده مسیح می‌بود، اغلب یک صلیب در هاله می‌کشیدند. در حالی که برای افراد در قید حیات (هم‌چون یک پاپ و یا اسقف) هاله‌ای مربع شکل که نور افشانی می‌کند، تصویر می‌شد. گاهی اوقات خدای پدر با هاله مثلثی که نشانی از ویژگی تثلیثی خدای مسیحیان است، تاجگذاری می‌شد. نک:

Lindberg, C., p.152.

5. Fortountto, M., & Cunnincham, M.B., pp.142-147.

به بیانی دیگر، شاید بتوان گفت که هنر خداوند فرزند اوست که از طریق او همه چیز به وجود آمده است. به همین ترتیب، هنر انسان هنرمند نیز فرزند او به شمار می‌آید که از طریق آن چیزی را به وجود می‌آورد. آگوستین نیکو گفته است که تو استعداد را آفریدی تا صنعت‌گر هنر خود را به آن عرضه کند و در درون خود ببیند، آنچه را که باید در برون بسازد.^۱ آیین دینی نیز چون اثری هنری، تداعی‌کننده ایمان به خداوند است. کلمه تنها گفتار در عین حال سرمدی و دنیوی خداوند نیست، بلکه به تعریف پولس قدیس «تصویر» نیز هست، یعنی خداوند را در همه مراتب عالم عین و شهادت، متجلی می‌سازد. بنابراین، مقصود از بازنمایی شمایل‌های مسیحی، نمایش خداوند و تقرب و تشبیه به اوست. بدین گونه، تصویر مسیح به عنوان مهم‌ترین تجلی شمایل‌نگاری مسیحی، آخرین بازتاب نزول کلمه‌ی الهی بر زمین و واسطه فیض و موهبت بخشی بر مؤمنان است که راه رسیدن به خدا و خداگونه شدن را برای انسان هموار می‌سازد.^۲

منابع

- آرمسترانگ، کرن، *خداشناسی از ابراهیم تا کنون، دین یهود، مسیحیت و اسلام*، ترجمه محسن سپهر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۳ش.
- اسکندری، ایرج، «بررسی و تحلیل نقاشی دیواری از ما قبل تاریخ تا عصر حاضر»، *هنرهای تجسمی*، شماره ۵، ۱۳۷۸ش.
- اوسپنسکی، لئونید و لوسکی، ولادیمیر، *معنای شمایل‌ها*، ترجمه مجید داودی، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸ش.
- بورکهاات، تیتوس، *مبانی هنر مسیحی*، ترجمه امیر نصری، تهران، حکمت، ۱۳۹۰ش.
- همو، *هنر مقدس، اصول و روش‌ها*، ترجمه امیر نصری، تهران، سروش، ۱۳۶۹ش.
- پت فیشر، ماری، *دائرة المعارف ادیان زنده جهان*، ترجمه مرضیه سلیمانی، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹ش.
- شاکر، محمد کاظم و موسوی حرمی، فاطمه سادات، «خداگونه بودن انسان، روایتی اسرائیلی یا آموزه‌ی مشترک»، *قم، حدیث پژوهی*، سال ۳، شماره ۶، ۱۳۹۰ش.

۱. کوماراسوامی، آناندا، *فلسفه هنر مسیحی و شرقی*، ترجمه امیر حسین ذکریگو، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶ش، صص ۶۲-۶۸.

۲. بورکهاات، تیتوس، *هنر مقدس، اصول و روش‌ها*، ترجمه امیر نصری، تهران، سروش، ۱۳۶۹ش، ص ۷۷.

- عسکری خانقاه، اصغر و سجاد پور، فرزانه، «نگرش قدسی، اندیشه قدسی»، پژوهش فرهنگی، سال ۸، شماره ۹، ۱۳۸۳ش.
- کاپادونا، آپوستولوس، «هنر دینی، دین و هنر»، ترجمه فرهاد ساسانی، بیاب، سال ۸، شماره ۷، ۱۳۸۳ش.
- کوماراسوامی، آناندا، فلسفه هنر مسیحی و شرقی، ترجمه امیر حسین ذکرگو، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶ش.
- محمد زاده، سید نادر، «شهود و خداگونگی در عرفان مسیحیت شرقی»، پژوهشنامه ادیان، سال ۳، شماره ۱۵، ۱۳۸۸ش.
- نوروزی طلب، علیرضا، «بنیان‌هایی برای شناخت و تفسیر هنر بیزانس» (اصول و مبانی)، باغ نظر، شماره ۴، ۱۳۸۴ش.
- ویور، مری جو، درآمدی بر مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ش.
- هینلز، جان آر، راهنمای ادیان زنده، ترجمه عبد الرحیم گواهی، قم، بوستان کتاب، جلد ۱، ۱۳۸۵ش.
- Cart, J.E., "Images: Images, Icons and Idols", *Encyclopedia of Religion*, L. Jones(ed.), USA, Thomson/ Gale, 2005, vol.7.
- Cook, J.W. "Iconography: Christian Iconography", *ibid*.
- Cooke, B., & Macy, G., *Christian Symbol and Ritual: An Introduction*, New York, Oxford University Press, 2005.
- Edioce, R.A., "Orthodoxy", *Encyclopedia of Religious Rites, Rituals and Festivals*, F. Salamone(ed.), New York, Rutledge, 2004.
- Fortountto M. & Cunnincham, M.B., "Theology of the Icon", *The Cambridge Companion to Orthodox Christian Theology*, Cambridge, Cambridge University Press, 2009.
- Giakalis , Ambrosios , *Images of the Divine: the Theology of Icons at the Seventh Ecumenical Council*, Leiden, Brill, 2005.
- Hughes, L., "Art and Liturgy in Russia: Rublev and His Success", *The Cambridge History of Christianity, Eastern Christianity*, vol.5, M. Angold(ed.), Cambridge, Cambridge University Press, 2006.
- Hussey, J. M., *The Orthodox Church in The Byzantine Empire*, (*Oxford History of the Christian Church Series*), New York, Oxford University Press, 1986.
- Jensen, R.M., *Living Water: Images, Symbols and Settings of Early Christian Baptism*, Leiden, Brill, 2011.
- Jungmann, J.A. & Stasiak, k., "Baptism, Sacrament Of", *New Catholic Encyclopedia*, USA, 2003.
- Lindberg, C., *A Brief History of Christianity*, USA, Blackwell, 2006.
- Mcfarland, I., *The Cambridge Dictionary of Christian Theology*, Cambridge, Cambridge University Press, 2011.
- McGuckin, J.A., *The Encyclopedia of Eastern Orthodox Christianity*, USA, Blackwell, 2011.
- Idem, *The Orthodox Church*, USA, Blackwell, 2008.
- Parry, K., *The Blackwell Companion to Eastern Christianity*, USA, Blackwell, 2007.

- Prokurat, M., *Historical Dictionary of The Orthodox Church, USA*, Scarecrow Press, 1996.
- Rouwhorst, G., "Word and Image in Christian Rituals", *Iconoclasm and Iconoclasm: Struggle for Religious Identity*, W. J. Van Asselt et al.(eds), Leiden, Brill, 2007.
- Van Asselt, W., "The Prohibition of Images and Protestant Identity", *ibid*.
- Vos, Nieke, "The Saint as Icon: Transformation of Biblical Imagery in Early Medieval Hagiography", *Ibid*.

Archive of SID